

۸۰۶-۵۸۹ شماره پستی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دفتر انتشارات و نشر، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱

پستال: ۱۹۱۷۱۱۱۱، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱، صندوق پستی ۱۹۱۷۱۱۱۱

شماره ثبت: ۶۳۶۰۶۳۶، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۱

سیر الملوك

۷۱۰ صفحه، ۱۷ × ۲۴ سانتی‌متر، ۱۳۹۰ خردادماه، تهران، چاپخانه

تولید و انتشار: ۱۳۹۰ خردادماه، تهران، چاپخانه

در این نشریه ۷۱۰ صفحه که در آن به سیر الملوك پرداخته شده است، هدف این بوده است که

در سیر الملوك به صورت مفصل و با نگاهی تاریخی و فرهنگی به سیر الملوك پرداخته شود.

ابوعلى حسن بن على طوسى، نظام الملک

توضیحاتی که به تفصیل در این کتاب آمده است، به همراه

باشد. در دو مقدمه‌ای که پس از این سر آغاز خواهد آمد نیز به سیر الملوك

بازشناسی، نقد و تحلیل، ویرایش متن، توضیحات و فهرستها

اجتماعی روزگار مؤلف، و به منظور رسیدن به یک داوری صحیح و

عقلی درباره آن صورت گرفته و آنچه درباره نشرهای پیشین

سیر الملوك نوشته‌ام، به آنجا که در این کتاب آمده است.

دکتر محمد استعلامی

ناشر است و به همراه ابوعلى حسن بن على طوسى، نظام الملک

استاد زبان و ادب فارسی

مناسب خود می‌باشد. این کتاب در باره آن داوری‌های تاریخی

هم شده است. این کتاب به همراه ابوعلى حسن بن على طوسى، نظام الملک

مناسب کتاب، و نقد و بررسی آن به همراه ابوعلى حسن بن على طوسى، نظام الملک

کتاب و سیر الملوك به همراه ابوعلى حسن بن على طوسى، نظام الملک

اهل درد



در مقدمه دوم، سیر الملوك و خلاصه‌ای از تاریخچه شناخت و

۵ صفحه، ۱۷ × ۲۴ سانتی‌متر، ۱۳۹۰ خردادماه، تهران، چاپخانه

مؤسسه انتشارات نگاه

www.nagah.com، تهران، چاپخانه

تهران، ۱۳۹۰

Email: ne@nagah.com

سرآغاز

عزیزانم!

در این نشر تازه سیرالملوک نظام الملک، هدف این بوده است که درست ترین صورت متن، با نقطه گذاری، حرکت گذاری، و با هرگونه توضیحی که به تفهیم ساده و روشن مفاد کتاب کمک می کند، همراه باشد. در دو مقدمه‌یی که پس از این سرآغاز خواهد آمد نیز، بازشناسی و نقد و تحلیل کتاب، با توجه به همه جهات زیربنایی، و شرایط و اوضاع اجتماعی روزگار مؤلف، و به منظور رسیدن به یک داوری معقول و منطقی درباره او صورت گرفته، و آنچه درباره نشرهای پیشین سیرالملوک نوشته‌ام، با توجه به این نکته بوده است.

سیرالملوک، با وجود نشرهای گوناگون آن در اروپا و ایران، اثری ناشناخته است و در طبقه‌بندی موضوعی فرهنگ ایرانی، در جای مناسب خود قرار نگرفته، و به همین دلیل درباره آن داوری‌های ناروایی هم شده است. در مقدمه اول، جان سخن همین شناخت درست و جای مناسب کتاب، و نقد آن داوری‌هاست، و همراه با خلاصه‌یی از محتوای کتاب و سیر اندیشه نظام الملک به عنوان یک کارگزار آگاه و با تجربه و اهل درد.

در مقدمه دوم، سرگذشت کتاب و خلاصه‌یی از تاریخچه شناخت و نشر آن از پیش چشم شما می‌گذرد، و هر دو مقدمه در واقع کلیدهایی است که راه خواننده را برای درک بهتر از آن هموار می‌کند، و توصیه من

این است که پیش از خواندن متن، هر دو مقدمه را بخوانید.
 این بازشناسی و ویرایش، یک بار به سرمایه انتشارات زوار به چاپ رسیده و نایاب شده بود، و این روزها که خواستاران سراغ آن را می‌گرفتند، دوست هشیار و مهربان من، علیرضا رئیس‌دانشی مدیر نشر نگاه، با موافقت انتشارات زوار، نشر دوم آن را برعهده گرفت. این چاپ دوم که نشر اول انتشارات نگاه است، با اصلاحاتی به‌بازار آمده و امید دارم که بار دیگر عرضه درست و منطقی اثر نظام‌الملک در نظر اهل معنا و منطق مقبول افتد. از آقای حسن نیک‌بخت مدیر حروفچینی گنجینه هم باید سپاسگزار باشم که در این سالها همواره در عرضه درست کارهای من صمیمانه کوشیده است.

محمد استعلامی

نوروز ۱۳۸۹ خورشیدی

مؤسسه انتشارات نگاه
 تهران
 چاپ دوم
 بهار ۱۳۸۹
 شماره ثبت: ۱۳۸۹
 شماره نشر: ۱۳۸۹
 شماره چاپ: ۱۳۸۹
 شماره ثبت: ۱۳۸۹
 شماره نشر: ۱۳۸۹
 شماره چاپ: ۱۳۸۹

راهنمای بخش‌ها

سرآغاز ۳

راهنمای بخش‌ها ۵

مقدمه اول: بازشناسی و نقد و تحلیل ۹

مقدمه دوم: درباره متن و ویرایش آن ۲۵

آغاز متن ۳۱

نیمه اول:

فصل اول: در گردش روزگار و مدح ملک‌شاه سلجوقی ۳۹

فصل دوم: در شناخت نعمت پروردگار ۴۳

فصل سوم: در مظالم نشستن و دادگری ۴۵

فصل چهارم: کارگزاران و وزیران و غلامان ۵۵

فصل پنجم: درباره اقطاعات ۶۷

فصل ششم: درباره قاضی، خطیب و محتسب ۷۸

فصل هفتم: پرسیدن از کار عامل و قاضی و ۸۴

فصل هشتم: پرسیدن از کار دین ۹۸

فصل نهم: مشرفان ۱۰۲

فصل دهم: صاحب‌خبران و مثنیان ۱۰۳

فصل یازدهم: درباره فرمان‌های پادشاه ۱۱۳

فصل دوازدهم: فرستادن غلامان از درگاه ۱۱۶

فصل سیزدهم: فرستادن جاسوسان ۱۱۷

فصل چهاردهم: فرستادن پیک ۱۳۲

فصل پانزدهم: احتیاط در اجرای فرمان‌ها ۱۳۳

فصل شانزدهم: وکیل خاص پادشاه ۱۳۴

فصل هفدهم: ندیمان و نزدیکان پادشاه ۱۳۵

فصل هجدهم: مشورت با دانیان و پیران ۱۳۸

فصل نوزدهم: مُفردان، گارد مخصوص ۱۴۰

فصل بیستم: سلاح‌های مُرّص ۱۴۱

فصل بیست و یکم: رسولان و سفیران ۱۴۲

فصل بیست و دوّم: آماده کردن علف در منزلها ۱۴۷

فصل بیست و سوّم: اطلاع از اموال سرداران و لشکر ۱۴۸

فصل بیست و چهارم: لشکر از اقوام مختلف ۱۵۰

فصل بیست و پنجم: نوا به معنی گروگان ۱۵۲

فصل بیست و ششم: غلامان ترکمان ۱۵۳

فصل بیست و هفتم: نظم دربار و مراجعان ۱۵۴

فصل بیست و هشتم: ترتیب بار دادن ۱۷۱

فصل بیست و نهم: مجلس شراب ۱۷۳

فصل سی ام: ایستادن خدمتگاران در حضور شاه ۱۷۵

فصل سی و یکم: تجمل و سلاح و ۱۷۶

فصل سی و دوّم: نیازهای لشکر و خدمتگزاران ۱۷۷

فصل سی و سوّم: عتاب کردن یا نکردن با بزرگان ۱۷۸

فصل سی و چهارم: پاسبانان و نوبتبانان ۱۸۱

فصل سی و پنجم: سفره و پذیرایی ۱۸۲

فصل سی و ششم: حق‌گزاری از شایستگان ۱۸۶

فصل سی و هفتم: اقطاع و احوال رعیت ۱۸۸

فصل سی و هشتم: احتیاط، و شتاب نکردن ۱۸۹

فصل سی و نهم: امیرِ خَرس و چوب‌داران ۱۹۲

نیمه دوّم: ۱۹۲

فصل چهلم: بخشودن، رسم و راه کارها، لقب‌ها ۱۹۹

فصل چهل و یکم: عاملان، فرمانداران، و نگهداری شایستگان ۲۲۱

فصل چهل و دوّم: زنان دربار و زیردستان ۲۴۴

فصل چهل و سوّم: بدمذهبان ۲۵۴

فصل چهل و چهارم: مزدک ۲۵۷

فصل چهل و پنجم: سنبادگیر و خُرّم‌دینان ۲۷۴

فصل چهل و ششم: قرمطیان و باطنیان ۲۷۷

فصل چهل و هفتم: خُرّم‌دینان اصفهان و آذربایجان ۳۰۳

فصل چهل و هشتم: خزانه و دخل و خرج پادشاهی ۳۱۲

فصل چهل و نهم: پاسخ دادن به مُتظلمان ۳۱۴

فصل پنجاهم: حساب دخل و خرج ولایت‌ها ۳۱۷

نمایه ۳۲۱

دو مقدمه بر سیرالملوک نظام‌الملک:

مقدمه اوّل: بازشناسی و نقد و تحلیل

- مقدمه اوّل: بازشناسی و نقد و تحلیل
- مقدمه دوم: درباره متن، و ویرایش آن

مقدمه اول: بازشناسی و نقد و تحلیل

اگر از من بپرسید که پس از سالیانی کار روی تذکره الاولیاء عطار و مثنوی مولانا و دیوان حافظ، چرا به سراغ سیرالملوک خواجۀ طوسی رفته‌ام؟ کاری چنین متفاوت؟ باید بگویم که برای خود من هم در آغاز این یک پرسش بوده است، و وقتی که روی آن فکر کردم، دیدم که شاید گفتنی‌های ناگفته‌یی درباره این کتاب هست که ضرورت کار تازه‌ای را روی آن به ذهن من آورده است. این مسؤلیت ملی و فرهنگی، در واقع همیشه پایه کارهایی بوده که من به صورت تصحیح متن یا نقد و تحلیل آثار گذشتگان به بازار کتاب فرستاده‌ام. نزدیک به نیم قرن با شور و شوق روی این کتابها کار کردن، همواره با این اعتقاد راسخ همراه بوده است، که ما پژوهشگران و استادان زبان و ادب و فرهنگ ایران وظیفه اصلی مان این است که متن درست این کتابها را به دست خواستاران آنها بدهیم، و درست خواندن و درست فهمیدن هر کتاب را، با زبانی ساده بیاموزیم و آسان کنیم. درباره سیرالملوک نظام‌الملک با وجود چاپهای متفاوتی که از آن عرضه شده، هنوز سخنهای گفتنی بسیار است، و یکی از آن گفتنی‌ها این است که نام این کتاب را پژوهشگر فرانسوی شارل شفر Charles Schefer که آن را نخستین بار در پاریس به چاپ رسانده، «سیاست‌نامه» گذاشته، و پس از او، چاپهای دیگر این کتاب که در ایران انتشار یافته، بیشتر عنوان «سیاست‌نامه» داشته، اما سیاست در زبان و در زمان نظام‌الملک، بیشتر به معنی تنبیه و کیفر است و سیاست‌نامه باید به معنی قانون مجازات یا مجموعه قوانین کیفری باشد، و عنوان کتاب هم در همه دست‌نویس‌های معتبر آن سیرالملوک است. درباره این کتاب که نظام‌الملک خود آن را «این کتاب سیر» می‌گوید (ص ۲۵۵) من از چندین سال پیش در این فکر بوده‌ام که این «کتاب سیر» بیش از آن و پیش از آن که یک اثر

ادبی باشد، کتابی است در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، یا تاریخ ساختار سیاسی جامعه ایرانی، و از نظرگاهی دیگر، فریاد ناشنوده یکی از کارگزاران نام‌آور سرزمین ماست که سالیانی دراز، با قدرت، فرمانروایی سلجوقیان را گردانیده، با بسیاری از ناروایی‌ها و نادرستی‌ها درافتاده، خیانت کارگزاران دیگر او را از چشم پادشاه سلجوقی انداخته، و رویه دیگری از همان شبکه‌های حسد و خیانت، پایان غم‌انگیزی بر سرگذشت او نهاده است.

سی سال کوشیدن و اندیشیدن، تدبیر کردن و راه یافتن، و در پدید آوردن یک نظام درست و مناسب با زمان پای فشردن، و به این نتیجه تلخ رسیدن که در بالای هرم قدرت، فرمانروایان چنان مست غروراند که فرق دوست و دشمن را نمی‌فهمند. فرمانی از ملکشاه به نظام‌الملک و چند تنی دیگر از کارگزاران می‌رسد که «هریک در معنی مملکت اندیشه کنید و بنگرید تا چیست که در عهد و روزگار ما نه نیک است، و در دیوان و درگاه و مجلس و بارگاه ما شرط آن به جای نمی‌آورند؟ یا بر ما پوشیده است؟ و کدام شغل است که پیش از ما، پادشاهان شرایط آن به جای آورده‌اند و ما تدارک آن نمی‌کنیم؟...» (ص ۳۱) و این هنگامی است که هم نظام‌الملک و هم رقیبان او همه از پیری ناتوان، و او خود از حسد رقیبان، بیش و کم مغضوب سلطانی است که بس دیر سر از خواب غفلت برداشته است، و با نوشدارویی پس از مرگ سهراب می‌خواهد پیکر نیمه‌جان یک فرمانروایی بزرگ را احیا کند! اما باز نظام‌الملک برای وطنی که آن را دوست می‌دارد، سر تعظیم فرود می‌آورد، و به نوشتن می‌نشیند. افسرده و نومید، به همه کارها، و به گرفتاری‌هایی که گریبان مملکت را گرفته، می‌اندیشد و درباره هر یک از آنها، آنچه را آموخته و آزموده است، بر اوراقی پراکنده می‌نویسد. نخست سی و نه فصل این کتاب، که گاه تکرار مضامین یک فصل در فصل‌های دیگر حکایت از پریشانی خاطر او دارد، بر اوراق کاغذ می‌آید، و پس از آن که خواجه، در روستای «حسدآباد» مغضوب کدخدا می‌شود، یازده فصل پریشان‌تر بر آن می‌افزاید، و این نیمه دوم کتاب است، که در عبارات آن، از ملاحظه‌های درباری کمتر نشانی هست، و گله‌ها و شکایتها بی‌پرده‌تر بر زبان می‌آید.

قوام‌الدین ابوعلی حسن طوسی، نظام‌الملک، سی سال از دبیری در حکومت بلخ، تا

صدارت دستگاه آلپ ارسلان و ملکشاه، در قلمروی که گاه از مرز ترکستان تا آسیای صغیر، و از آذربایجان تا کرمان گسترش داشته، روزها، هفته‌ها، ماهها و سالها در کار بوده، تجربه‌های بسیار اندوخته، و چه بسا که روزها و شبهای پراضطرابی را گذرانده، و از نگرانی کارهایی که به انجام نمی‌رسیده، یا از سستی و خیانت کارگزاران دیگر دل‌تنگ بوده است. این نکته هم نیازمند رد و اثبات نیست که به اقتضای نظام استبدادی و قدرت مطلق پادشاه، در مواردی هم از گفتن واقعیت پرهیز کرده و برای مقاصد بزرگتری که در نظر داشته، بر مسند خویش مانده است.

از سرگذشت او، آنچه می‌دانیم همین است که در سال چهارصد و هفت هجری قمری در یکی از روستاهای شهر طوس به دنیا آمده، و پس از آموختن مبانی علوم مدرسی آن روزگار، دبیر ابوعلی بن شادان فرماندار شهر بلخ بوده، پس از آن که چغری بیگ به پادشاهی رسیده و پورشادان وزیر چغری بیگ شده، ابوعلی حسن طوسی نیز به دربار سلجوقیان راه یافته است. پس از مرگ چغری بیگ، و در زمان پادشاهی فرزند او آلپ ارسلان، وزیر آلپ ارسلان بوده، و این مقام را در بیشتر سالهای پادشاهی ملکشاه نیز داشته است. نظام‌الملک وزیر مقتدری بوده، که لیاقت او در کشورداری در تاریخ ایران کم‌نظیر است، و نقش او در گسترش آموزش، در تاسیس مدرسه‌های بزرگ نظامیه که در آنها معارف اسلامی بحث و تدریس می‌شده، آشکار و درخور توجه است، و مدرسه‌های نظامیه در شهرهای بلخ و نیشابور و اصفهان و بغداد، «پری پس از قتل او نیز دایر، و نام او در خاطر مردم بوده است.

نظام‌الملک در سالهای پیش از چهارصد و هشتاد هجری، می‌دیده است که دستگاه حکومت سلجوقیان چنان که باید به سامان نیست، و همین کتاب سیرالملوک حکایت از آن دارد که ملکشاه هم خود نگران بی‌سامانی‌ها بوده است. یازده فصل نیمه دوم کتاب - بی آن که خطاب مستقیم به ملکشاه باشد - از سر درد به ما می‌گوید که «پیران و جهان‌دیدگان حرمت ندارند... هر جا که مهمی در پیش است، کار ناکردگان و کودکان و زنان را نامزد می‌کنند، و خطاها می‌افتد...» (ص ۲۰۹) و مرد هست بی هیچ کفایت، که ده عمل در دست دارد...» (ص ۲۲۲) و کسانی بر سر کار اند که نه بر دینشان حمیت است و نه بر مال و نه بر رعایا...» (ص ۲۲۲). در این یازده فصل، بسیار است سخنانی که در یک